

چالش‌های کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی

چکیده

فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی به صورت کلی شامل سه مرحله می‌باشد که عبارتند از: تدوین، اجرا و ارزیابی. مرحله تدوین به عنوان زیررنا و پایه سایر مراحل، دارای اهمیت و حساسیت بیشتری است. هر حاکمیتی سعی می‌کند با استفاده حداکثری از نظرات کارشناسان و خبرگان، به‌گونه‌ای سیاست‌های فرهنگی خود را تدوین کند که در مرحله اجرا با کمترین چالش و آسیب مواجه شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت دینی و اسلامی، حضور حوزه علمیه با شأن «نماینده دین»، در تدوین سیاست‌ها یک ضرورت انکارناشدنی است. با گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب اسلامی، نقش و جایگاه حوزه علمیه در این عرصه، فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده که هنوز به جایگاه مطلوب خود نرسیده است. در این مقاله ضمن مصاحبه با ۱۴ نفر از مسئولین و صاحب‌نظران در حوزه علمیه و حاکمیت و با استفاده از روش تحلیل مضمون، ۶۳ چالش پیش روی کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی شناسایی شده است. این چالش‌ها در قالب سه مضمون کلان معرفتی، زمینه‌ای و مدیریتی طبقه‌بندی شده‌اند.

■ واژگان کلیدی

حوزه علمیه، تدوین سیاست، سیاست‌گذاری فرهنگی، کنشگری.

مهدی مولایی آرانی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

movlaeiarani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱

۱. مقدمه

از جنبه نظری مطالعات در زمینه خط‌مشی و سیاست‌گذاری بر دو محور اساسی انجام می‌گیرد:

۱. تجزیه و تحلیل سیاست که بر بررسی محتوا و کیفیت خط‌مشی تأکید دارد؛

۲. فرایند سیاست‌گذاری که در این نگاه سیاست‌گذاری، به طور کلی به سه مرحله تدوین، اجرا

و ارزیابی تقسیم می‌شود. (اسمیت و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۰).

در این مدل فرایند سیاست عمومی به عنوان مجموعه فعالیت‌های سیاسی همچون تعیین مسئله، تعیین دستور جلسه، تدوین، مشروعیت‌بخشیدن، اجرا و ارزیابی در نظر گرفته می‌شود (دی، ۲۰۰۸: ۱۴-۱۵). اگر به فرایند خط‌مشی در قالب یک سیستم نگریسته شود خط‌مشی به یک مجموعه از نهادها و فعالیت‌های قابل شناسایی اطلاق می‌شود. نیازها را به تصمیمات معتبری که نیازمند پشتیبانی تمامی قشرهای جامعه باشد، تبدیل می‌نماید (شفریتز، ۲۰۰۸: ۱۵). به صورت کلی می‌توان گفت که مرحله تدوین شامل تعیین مسئله، تعیین دستور جلسه و نهایتاً مشروعیت‌بخشیدن به خط‌مشی است. اگر چه هر یک از مراحل سه گانه فرایند سیاست‌گذاری، در جای خود دارای اهمیت هستند؛ اما مرحله تدوین به عنوان زیربنای اجرا و ارزیابی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در فرایند تدوین سیاست‌های فرهنگی بازیگران متعددی حضور دارند. بر مبنای مدل گروهی «تعامل بین گروه‌ها، عامل اصلی تعیین خط‌مشی است.» (دی، ۲۰۰۸: ۲۰-۲۲). نهادهای مذهبی و دینی، به ویژه حوزه علمیه و علما یکی از کنشگران در فرایند سیاست‌گذاری هستند. بر اساس اصل هنجار محور بودن سیاست‌گذاری، سیاست‌ها فقط با رویکرد عقلانی و بدون لحاظ کردن متغیرهای محیطی و ارزشی، شکل نمی‌گیرند بلکه با اعتقاد به جدایی‌ناپذیری ارزش‌ها و فنون در اقدامات دولت، سیاست‌هایی تدوین می‌شود که متأثر از هنجارهای عمومی جامعه است. ویژگی خاص نظام جمهوری اسلامی ایران بعد اسلامی بودن آن است. بر اساس قانون اساسی تمام قوانین کشور باید بر اساس موازین اسلامی باشد.^۱ گرچه در ساختار رسمی کشور شورای نگهبان وظیفه

۱. اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

دارد مغایر نبودن مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و شرع را اعلام و تصویب کند؛ اما جاری شدن مبانی اسلامی در سیاست‌های کلان عرصه فرهنگ نیازمند حضور کارشناسان فرهنگ اسلامی در تدوین سیاست‌ها است، که مسئولیت اصلی در این عرصه متوجه حوزه علمیه است. بدون شک «تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنائی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۸/۲۴). اگرچه در کشور ما تأثیرپذیری سیاست‌گذاران از بنیادهای ارزشی و آموزه‌های دینی و تأثیرگذاری مجامع مذهبی و دینی و علمای دین بر فرایند سیاست‌گذاری موضوعی پذیرفتنی است، اما نهادینه کردن این مداخله برای بهبود فرایند سیاست‌گذاری و پرهیز از اعمال سلیقه‌ها و برداشت‌های شخصی افراد از دین و اعمال آن در سیاست‌های تصویبی، باید به صورت جدی به آنها توجه شود. مسئله اصلی این مقاله نیز شناسایی چالش‌هایی است که در این مسیر پیش روی حوزه علمیه و حاکمیت قرار دارد.

۲. تعریف واژگان تحقیق

با توجه به تکرر و اختلاف نظرهای فراوان در تعریف دو واژه حوزه علمیه و فرهنگ، مراد و تعریف مدنظر این مقاله از این دو مفهوم تبیین شده است.

۲-۱. حوزه علمیه

ارائه تعریف از حوزه علمیه به عنوان نهادی که نه به صورت کامل سنتی و نه به صورت کامل ویژگی سازمان‌های مدرن امروزی را دارا می‌باشد، کاری دشوار است. برای ارائه تعریف جامع و مانع و متناسب با موضوع تحقیق، به دو شاخص «ویژگی نیروی انسانی» و «رسالت و اهداف»^۱ حوزه علمیه توجه شده است. بر این اساس منظور از حوزه علمیه در این تحقیق عبارت است: «نهادهای و مؤسساتی که نیروی انسانی فعال، صاحب‌نظران تحصیل کرده و رشد یافته در حوزه‌های علمیه و رسالت خود را اقامه دین و اعتلای کلمه توحید مبتنی بر اجتهاد بر پایه قرآن، سنت نبوی (صلی‌الله

۱. رسالت‌ها و اهداف حوزه علمیه مطابق با مصوبات شورای عالی حوزه‌های علمیه.

علیه و آله و سلم) و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار داده باشند^۱ و بر این مبنا مأموریت و هدفشان در راستای مصوبات شورای عالی حوزه است.^۲

۲-۲. فرهنگ

در این تحقیق مراد از فرهنگ، بر اساس تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی، «نظام‌واره‌ای است از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.»^۳

۳. روش تحقیق

با توجه به تعداد مصاحبه‌های انجام شده^۴ و همچنین نحوه استفاده از داده‌های مصاحبه، در این مقاله از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در تحلیل مضمون ویژگی‌های کیفی، متن مورد تحلیل بیشتر قرار می‌گیرد و به همین دلیل لزوماً کثرت یک مورد در نمونه داده‌ها، تعیین‌کننده مضمون بودن آن مورد نیست. (یاوری، ۱۳۹۱: ۲۱) تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۷۱) که در این مقاله از روش قالب مضامین استفاده شده است.

اعتبارسنجی داده‌ها

برای ارزیابی داده‌های به دست آمده از روش تحلیل مضمون، چهار روش وجود دارد.^۵ گرچه استفاده یکی از این چهار روش برای اعتبارسنجی داده‌ها کفایت می‌کند؛ اما در این تحقیق

۱. سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، مصوبه شماره ۸۶۶ جلسه شماره ۳۱ شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۷.

۲. منظور، دو مصوبه شورای عالی حوزه است که در آنجا مأموریت و اهداف حوزه علمیه مشخص شده است:

۱- سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، مصوبه شماره ۸۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۷

۲- اهداف کلان حوزه‌های علمیه؛ مصوبه شماره ۹۰۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۷

۳. سند مهندسی فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۴. داده‌های این تحقیق حاصل مصاحبه با ۱۴ نفر از صاحب‌نظران و مسئولان در دو بخش حوزه علمیه و حاکمیت است. محقق با توجه به معرفی خبرگان اولیه و شناخت خود و نیز در نظر گرفتن معیارهایی همچون: آشنایی با موضوع، سطح علمی، تجربه طولانی و مؤثر در حوزه علمیه یا حاکمیت، شخصیت معرف، تعداد ارجاعات و امکان دسترسی، با ۱۴ نفر مصاحبه کرده است.

۵. این چهار روش عبارتند از: استفاده از کدگذاران مستقل و گروه خبرگان، دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان، به کارگیری تطابق همگونی و عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی.

برای افزایش میزان اعتبار داده‌های به دست آمده از دو روش ۱- استفاده از کدگذاران مستقل
 ۲- دریافت بازخورد از مصاحبه‌شوندگان استفاده شده است. بر این اساس ۶۳ گزاره‌ی استخراج
 شده از مصاحبه‌ها بعد از ارزیابی اولیه در گروه سه نفری، در قالب پرسش‌نامه^۱ برای ۵۳ نفر از
 خبرگان و مصاحبه‌شوندگان ارسال شده که در نهایت ۴۲ پرسش‌نامه تکمیل و دریافت شد. پاسخ
 دهندگان به پرسش‌نامه‌ها، در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

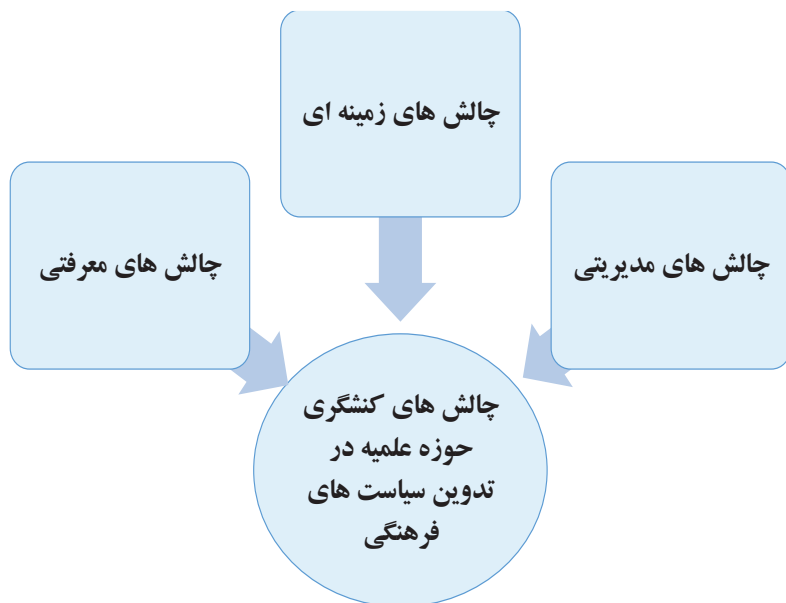
۱. مصاحبه‌شوندگان: تمام ۱۴ نفر مصاحبه‌شونده، پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند؛
 ۲. خبرگان و کدگذاران مستقل: از میان ۳۹ نفر از خبرگان و کدگذاران مستقل که پرسش‌نامه
 برای آنها ارسال شده بود، ۲۸ نفر پرسش‌نامه را تکمیل کردند.
- میانگین کل امتیازهای ثبت‌شده برای ۶۳ گزاره، ۳/۸ است که موافقت نسبی با گزاره‌ها را
 نشان می‌دهد. همچنین واریانس ۲۳ گزاره زیر ۱ و مابقی گزاره‌ها بین ۱ تا ۱/۳ است.^۲

۹۳

۴. چالش‌های کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی

مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها، بر اساس نقش مضمون در سه سطح با عنوان مضامین
 کلیدی^۳، یکپارچه‌کننده^۴ و کلان^۵ نامگذاری شده‌اند. بعد از استخراج مضامین کلیدی و انجام
 مرحله اعتبارسنجی، در نهایت ۶۳ مضمون کلیدی ارائه شد. ۶۳ مضمون کلیدی در قالب چهارده
 مضمون یکپارچه‌کننده و سه مضمون کلان طبقه‌بندی شده است. سه مضمون کلان عبارتند از:
 چالش‌های معرفتی، چالش‌های زمینه‌ای و چالش‌های مدیریتی. این مضامین در ادامه به صورت
 مفصل شرح داده شده است.

۱. در این پرسش‌نامه از خبرگان و مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا به هر یک از چالش‌های استخراج شده بین
 یک تا پنج نمره دهند و همچنین نظر خود را درباره گزاره‌ها (اصلاح، حذف یا اضافه‌شدن گزاره) بیان کنند.
 ۲. واریانس معیاری برای اندازه‌گیری میزان پراکندگی دیدگاه‌ها است. کم بودن واریانس، کم بودن پراکندگی
 پاسخ‌ها و تمرکز بیشتر دیدگاه‌ها را نشان می‌دهد.
 ۳. مضامین کلیدی مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن هستند.
 ۴. مضامین یکپارچه‌کننده، مضامین کلیدی را حول یک محور مشترک گرد هم می‌آورند.
 ۵. مضمون کلان بخش عمده‌ای از مضامین و کدهای شناخته‌شده را در خود جای می‌دهد.



شکل (۱). چالش های کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست های فرهنگی

۴-۱. چالش های معرفتی

هرگونه چالشی که مانع از حضور مؤثر حوزه علمیه در فرایند تدوین سیاست های فرهنگی شود، در سطح عمیق خود ناشی از نوع فکر، اندیشه و شناختی است که در طرفین ارتباط وجود دارد. چالش های معرفتی شامل چالش های ناظر به ضعف در شناخت اهمیت و ضرورت ارتباط، چگونگی (حدود) ارتباط، شناخت از فرهنگ، دین و سیاست گذاری، شناخت از یکدیگر، مسئله شناسی، راهکارهای سیاستی و روش و روش شناسی است.

۴-۱-۱. اهمیت و ضرورت ارتباط

درک اهمیت و ضرورت ارتباط، اولین و اصلی ترین گام برای حضور حوزه علمیه در تدوین سیاست های فرهنگی است. ترویج نظریه جدایی دین از سیاست، نگاه تشریفاتی به ارتباط و تعامل میان حوزه و نظام و اعتقاد نداشتن به نقش حوزه در نظام از جمله چالش های موجود در بخش درک اهمیت و ضرورت ارتباط است.

۴-۱-۱-۱. ترویج نظریه جدایی دین از سیاست

علی‌رغم گذشت بیش از سه دهه از عمر نظام اسلامی، هنوز نظریات جدایی دین از سیاست به صورت نظری یا عملی ترویج می‌شود. ترویج این نظریات از یک‌سو انگیزه برخی حوزویان را برای تعامل با نظام اسلامی و حضور در فرایند سیاست‌گذاری از بین می‌برد و از سوی دیگر به برخی اقدامات و گفتارهای نادرست مسئولان و جاهت شرعی می‌بخشد.

۴-۱-۱-۲. اعتقاد نداشتن به نقش حوزه در نظام

بعضی از مسئولین اصلاً اعتقادی به ارائه خدمت از سوی حوزه به نظام اسلامی ندارند. عوامل متعدد و مختلفی می‌تواند در بروز و ظهور این اعتقادناپذیری اثرگذار باشد. در کنار عوامل بیرونی مانند ابهام در مأموریت حوزه علمیه، عوامل درونی مانند حس خودپسندگی مدیران و ضعف اراده برای برقراری ارتباط در ایجاد و تشدید اعتقادناپذیری مؤثر هستند.

۴-۱-۲-۱. ابهام در مأموریت حوزه در ارتباط با نظام

بررسی اسناد بالادستی و مصوبات شورای عالی و حوزه علمیه نشان می‌دهد که مأموریت حوزه‌های علمیه در ارتباط با نظام به صورت روشن مشخص شده است؛ اما شواهد و داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که این مصوبات به صورت فرهنگ و گفتمان حاکم در نیامده است و از این‌رو در سطوح میانه و پایین، ابهامات فراوانی درباره مأموریت حوزه وجود دارد.

۴-۱-۲-۲. فهم نادرست مدیران از پیشرفت و توسعه جایگاه دین و حوزه در آن

برخی از مدیران، به دلیل نداشتن مطالعات عمیق درباره توسعه، توسعه را صرفاً در امور مادی و ساختمان‌سازی و ... محصور کرده‌اند و توجه ندارند که نقطه شروع توسعه صحیح، مغز و اندیشه است و در اینجا لازم است که حوزه ورود ویژه‌ای داشته باشد. پیامد این نوع نگاه به حوزه علمیه را می‌توان به طور مشخص در برنامه‌های پنج ساله توسعه مشاهده کرد. در برنامه چهارم توسعه هیچ نامی از حوزه علمیه برده نشده است. این معضل در برنامه پنجم تا حدی رفع شده است و برای حوزه علمیه در تحول بنیادین علوم انسانی و تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌الملل جایگاه و نقشی قائل شده‌اند. اما این جایگاه در مقابل مأموریت و ظرفیت‌های حوزه علمیه بسیار اندک و ناچیز است.

۴-۱-۳. نگاه تشریفاتی به ارتباط و تعامل میان حوزه و نظام

یکی از آسیب‌های تعامل میان حوزه و نظام، نگاه صوری و تشریفاتی به این ارتباط و توجه نداشتن به اهداف و محتوای آن است. نمونه این نوع نگاه را می‌توان در ارتباط میان حوزه و دانشگاه مشاهده کرد که امروزه تقریباً منحصر به برگزاری مراسم تشریفاتی، سالگرد وحدت حوزه و دانشگاه شده است.

۴-۱-۲. چگونگی (حدود) ارتباط میان حوزه علمیه و نظام

حدود ارتباطی میان حوزه و نظام به صورت صریح و روشن برای سیاست‌گذاران و حوزویان مشخص نیست. برخی توقع دارند که حوزه متصدی اسلامی‌سازی کل قوانین شود و برخی نیز معتقدند که حوزه صرفاً مغایر نبودن قوانین با شرع را تصویب می‌کند و در صورت امکان، معاضدت فقهی خواهد کرد. این ابهام باعث می‌شود تا هر مسئول و مدیری در حوزه علمیه و حاکمیت مطابق با سلیقه و اعتقاد خود، حدود ارتباطی را تعریف کند.

۴-۱-۲-۱. تنوع نظرها در انتظارات حوزه از نظام

گروهی از حوزویان، برخی از مسائل را مأموریت ذاتی روحانیت می‌دانند و معتقدند که لزومی به ورود حاکمیت در عرصه‌هایی مانند عقاید، کلام و باورهای مردم نیست و نظام در جاهایی ورود پیدا کند که رفتارهای دینی ظهور و بروز عینی پیدا کند. گروهی دیگر که بیشتر مشرب فلسفی کلامی دارند، حاکمیت را از بُعد اعتقادات و باورهای مردم نقد می‌کنند و مطالبه‌گری دارند. این تنوع انتظارات، باید سامان‌دهی شود تا متناسب با توانایی‌های حوزه به مسائل اصلی پاسخ داده شود.

۴-۱-۲-۲. اسلامی‌سازی یا تناقض نداشتن با اسلام

در اصل چهار قانون اساسی آمده است که تمام قوانین جمهوری اسلامی باید منطبق با موازین اسلامی باشد. اما در اصل ۹۱ گفته شده مغایر نبودن مصوبات با موازین اسلامی. این دو (اسلامی‌سازی یا تناقض نداشتن) خیلی با یکدیگر فرق می‌کند. نگاه سنتی حوزه اصل چهار را می‌پذیرد اما شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۱ عمل می‌کند.

۴-۱-۲-۳. معاضدت فقهی یا اسلامی سازی

تصور برخی از مراکز اسلامی این است که یک امر غیراسلامی را اسلامی می‌کنند. اما برخی دیگر معتقدند که هدف این مراکز، معاضدت و یاری کردن مسئولان برای انجام درست کارها بر مبنای اصول اسلامی است.

۴-۱-۳. شناخت از فرهنگ، دین و سیاست‌گذاری

صاحب‌نظران درباره نسبت میان فرهنگ، دین و سیاست‌گذاری نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند. برخی دین را اعم از فرهنگ و برخی فرهنگ را اعم از دین می‌دانند. برخی فرهنگ را قابل سیاست‌گذاری و برخی فرهنگ را غیرقابل سیاست‌گذاری می‌دانند. این تنوع نظرات در کنار شناخت‌نداشتن از ادبیات علمی سیاست‌گذاری و فقه از جمله چالش‌های موجود در این حوزه است.

۴-۱-۳-۱. ضعف شناخت علمی از فرهنگ و پیچیدگی‌های آن

ضعف شناخت از حوزه فرهنگ، منحصر در برخی حوزویان نیست؛ شناخت درست از حوزه فرهنگ به معنای آن است که سیاست‌گذاران، جایگاه مسائل فرهنگی را به درستی بشناسند و تشخیص دهند کدام موضوع باید مبنا و محور و کدام موضوع در حاشیه قرار گیرد. به عنوان مثال، به دلیل شناخت نادرست از فرهنگ، موضوع خانواده به‌ویژه مادری، سالیان متوالی در حاشیه قرار گرفته بود و این امر آسیب‌های زیادی را متوجه جامعه کرده است.

۴-۱-۳-۲. شناخت ضعیف از دانش سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری

نمایندگانی که از سوی حوزه در شوراهای عالی تصمیم‌گیری حضور دارند باید با ادبیات سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری آشنا باشند. این آشنایی‌نداشتن مانع از داشتن یک زبان مشترک برای گفت‌وگو و ارتباط مؤثر می‌شود.

۴-۱-۳-۳. نگاه تقلیل‌گرایانه به فرهنگ و دین

درک نادرست از جایگاه حوزه علمیه در فرایند تدوین سیاست‌های فرهنگی، معلول فهم نادرست و سطحی از دین و تقلیل آن به سطح فردی و ساحت اخلاقی است. نمونه‌ای از نگاه تقلیل‌گرایانه که به صورت ناخودآگاه یا عمدانه، سال‌هاست در عرصه سیاست‌گذاری خانواده با آن مواجه هستیم، تقلیل خانواده به زن است. این تقلیل‌گرایی را می‌توان

در پژوهش‌های معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری مشاهده کرد. برخی از مهمترین پژوهش‌های این معاونت عبارتند از: اطلس وضعیت زنان کشور، تحولات شاخص‌های حوزه زنان و آموزش دختران در ایران، زنان و بازار کار و...^۱

۴-۳-۱-۴. نگاه‌های متفاوت و متضاد به نسبت میان دین و فرهنگ

عده‌ای دین را امری آسمانی می‌دانند و فرهنگ را امری زمینی و دنیوی و اساساً میان آن دو، جدایی و تبایل کامل قائل شده‌اند. عده‌ای معتقدند که فرهنگ ذیل دین قرار می‌گیرد و از این رو سیاست‌گذاری فرهنگی باید به صورت کامل توسط حوزه علمیه تدوین، اجرا و ارزیابی شود تا به نقطه آرمانی و مطلوب برسیم. برخی برخلاف این دیدگاه معتقدند که فرهنگ و دین تنها در برخی امور با یکدیگر همپوشانی دارند و از این رو در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی، حوزه علمیه مانند سایر بخش‌ها تنها باید یک نماینده داشته باشد و از طرف دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی نباید در امور دینی، سیاست‌گذاری کند چرا که این کار، جزء مأموریت شورای عالی حوزه‌های علمیه است. عده‌ای دیگر نیز بر این باورند که در بافت جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ و دین کاملاً در هم تنیده هستند و به هیچ وجه قابل تفکیک از یکدیگر نیستند؛ لذا سیاست‌گذاری امور دینی و فرهنگی باید از یک مصدر واحد انجام شود.

باید توجه داشت که تفاوت نظرات در فضای علمی و آکادمیک امری پسندیده است اما هنگامی که افراد در جایگاه اجرایی و مدیریتی قرار می‌گیرند باید نظر حاکمیت در آن عرصه روشن باشد تا مدیران بتوانند ضمن هم‌افزایی، مأموریت خود را انجام دهند و از اصطکاک و هدر رفتن نیروها و زمان جلوگیری کنند.

۴-۳-۱-۵. درک نکردن جایگاه و اهمیت فقه در سیاست‌گذاری

آثار و پیامدهای سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، در آینده و به صورت تدریجی نمایان می‌شود. در صورتی که سیاست به خوبی تدوین شده باشد سال‌ها بعد، درستی و آثار مثبت آن سیاست مشاهده‌پذیر خواهد بود. به دلیل دیرنمایان شدن اثرات و نتایج این سیاست‌ها، برخی افراد تمایلی به حضور در این حوزه ندارند یا دقت و تلاش لازم را برای تدوین سیاست‌های متقن

انجام نمی‌دهند و صرفاً برای رفع تکلیف در جلسات حضور پیدا می‌کنند؛ نکته درخور توجه آن است که مسئولین این حوزه توجه ندارند که آثار اجرای این سیاست‌ها، پایدار است و به عنوان فرهنگ یک جامعه در لایه‌های مختلف و نسل‌های بعد رسوب می‌کند.

۴-۱-۳-۶. شناخت‌نداشتن تفاوت دو فضای تقنین و فتوا

متأسفانه نگاه بسیاری از حوزویان به حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مانند حوزه فتواست. یعنی وقتی از جایگاه یک سیاست‌گذار به موضوع نگاه می‌کنند به جای توجه به روابط میان پدیده‌ها و جایگاه و تأثیرات آن سیاست در جامعه، صرفاً با نگاه فردگرایانه به موضوع می‌پردازند و فتوا صادر می‌کنند. نگاه غالب در حوزه علمیه، نگاه خرد است و موضوع را صرفاً در مقیاس فرد تحلیل می‌کنند، در حالی که نگاه سیاست‌گذار در جامعه اسلامی، باید کلان باشد.

۴-۱-۴. شناخت از یکدیگر

شناخت حوزه و نظام از یکدیگر شناخت درستی نیست. دو چالشی که در این بخش وجود دارد عبارت است از: شناخت ضعیف از نهاد حوزه و توهم دانستن دانش طرف مقابل.

۴-۱-۴-۱. شناخت ضعیف از نهاد حوزه

بسیاری از مسئولان اجرایی و عالی‌رتبه کشور، شناخت درست و واقعی از دانش و حتی ساختارهای حوزه علمیه ندارند و بر اساس تصورات گذشته خود، با آن تعامل می‌کنند. نمونه‌ای از این شناخت ضعیف، آگاهی نداشتن از وجود شورای حوزوی به عنوان واسطه میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی حوزه و همچنین معرفی مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان نماینده حوزه علمیه در بسیاری از شوراها و تصمیم‌گیری است.

۴-۱-۴-۲. توهم دانستن دانش طرف مقابل

برخی از دانشگاهیان که برای آشنایی با علوم حوزوی چند سالی به قم هجرت و علوم حوزوی را مطالعه کرده‌اند، تصور می‌کنند تمام دانش حوزوی را آموخته‌اند و دیگر نیازی به استفاده از کارشناسان حوزوی ندارند. از سوی دیگر برخی حوزویان نیز برای آشنایی با علوم دانشگاهی به دانشگاه رفته‌اند تصور می‌کنند با چند سال حضور در دانشگاه، دیگر نیازی به حضور متخصصان دانشگاهی ندارند.

۴-۱-۵. مسئله شناسی

شناخت مسئله اولین گام عملیاتی در فرایند تدوین سیاست‌های فرهنگی است. مهمترین چالش‌های مربوط به حوزه مسئله‌شناسی در ادامه بیان شده است.

۴-۱-۵-۱. تقدم یافتن مسائل و دغدغه‌های سیاسی بر فرهنگی

مسائل و دغدغه‌های حوزه سیاسی به طور کاملاً مشهودی بر مسائل فرهنگی سایه انداخته‌اند و سبب شده به صورت ناخودآگاه مسائل فرهنگی از کانون توجه خارج شود. برای اثبات این مدعا، می‌توان نگاهی به فعالیت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انداخت. بررسی ۵۰۱ بیانیه و اطلاعیه صادر شده از سوی جامعه مدرسین طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۷۰، نشان می‌دهد که موضوع انتخابات و به عبارتی دیگر حوزه سیاست بیشترین و مسائل فرهنگی و اجتماعی کمترین میزان توجه را در بیانیه‌های صادر شده به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۵-۲. توجه نداشتن به اولویت‌بندی مسائل فرهنگی

اولویت‌بندی در تعیین مسائل برای در دستور کار قرار دادن حل آن مسئله، یکی از اصول پذیرفته شده در دانش سیاست‌گذاری است؛ اما در فضای حوزوی، اولویت‌بندی مسائل کار بسیار سختی است. برخی معتقدند که دین یک بسته کامل است و نمی‌توان اولویت‌بندی روی آن انجام داد چرا که اولویت‌بندی به معنای کنار گذاشتن برخی ابعاد دین است.

۴-۱-۵-۳. انفعال نهادهای رسمی در مسئله‌شناسی

نهادهای رسمی در حوزه علمیه، غالباً به صورت منفعلانه به شناخت مسائل می‌پردازند. نهادهای رسمی بیشتر مسائلی را مطرح و پیگیری می‌کنند که از جای دیگر آمده باشد. یعنی دنبال طرح مسئله نیستند و فقط در حد رد و اثبات مسائلی که از بالا ابلاغ شده تلاش می‌کنند یا اینکه مطابق با آیین‌نامه‌ها، مسائلی را تنظیم کنند.

۴-۱-۵-۴. حضور کم‌رنگ در مرحله شناخت مسئله و حضور پررنگ در نقد پیامدها

یکی از انتقادهایی که همواره متوجه حضور روحانیون در فرایند سیاست‌گذاری بوده این است که روحانیون پس از آشکار شدن نتایج اجرای یک سیاست، در نقد آن حضور فعال دارند اما در مرحله تدوین و شکل‌دهی یک سیاست، حضور فعالی ندارند.

۴-۱-۵-۵. کلی‌گویی در مسائل

یکی از الزامات فرایند سیاست‌گذاری، صورت‌بندی و مشخص کردن مسئله است. بیان کلی و مبهم مسئله، کمکی به درمان و حل آن نخواهد کرد و سبب خواهد شد که در مرحله ارائه راهکار نیز همان بیان کلی و مبهم ادامه داشته باشد. به عنوان مثال در حوزه موسیقی، گفته شده که موسیقی لَهویّ مَضَلّ عن سبیل الله حرام و بقیه‌اش حلال است. حالا لَهویّ چگونه تشخیص داده شود؟ مَضَلّ عن سبیل الله بودن را کی تشخیص دهد؟ اگر بین چند نگاه تعارض پیش آمد چگونه حل کنیم.

۴-۱-۵-۶. استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های ویژه برای در دستور کار قرار دادن مسائل

بعد از شناخت مسائل، باید تلاش شود تا آن مسئله در دستور کار قرار گیرد. یکی از ظرفیت‌های ویژه حوزه علمیه در این مرحله، مراجع عظام تقلید است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی مراجع عظام تقلید، از ورود به حوزه فرهنگ به شدت پرهیز کرده و جز در مواردی معدود، اظهارنظری درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی نکرده‌اند، برخی دیگر از مراجع نیز با توجه به حاکمیت فضای فقه فردی در حوزه علمیه، به صورت خُرد به مسائل توجه می‌کنند نه به صورت کلان و سیستمی. مسئله دیگر آن است که ورود مراجع عظام تقلید در اکثر موارد، به صورت منفعلانه بوده است و نهایتاً سبب شده که موضوعی از دستور کار خارج شود (مانند ورود خانم‌ها به ورزشگاه) یا بر اهمیت موضوعی که در دستور کار قرار گرفته است (مانند زیاد شدن نسل) تأکید شود.

۴-۱-۶. راهکارهای سیاستی

در کنار چالش‌های مسئله‌شناسی، چالش‌هایی نیز در ارائه راهکارهای سیاستی وجود دارد.

۴-۱-۶-۱. ضعف نظریه‌پردازی

ارائه راهکارهای صحیح، در گام اول نیازمند داشتن نظریه می‌باشد. متأسفانه در برخی موضوعات فرهنگی اجتماعی مانند زن، هنوز نظریاتی برای سیاست‌گذاری در آن حوزه تدوین نشده است. این در حالی است که منابع غنی و ارزشمندی همچون قرآن کریم و احادیث اهل بیت در اختیار ماست ولی متأسفانه این مباحث به صورت نظریه و مجموعه‌های قابل استفاده و قابل استنتاج در نیامده است.

۴-۱-۶-۲. توجه نداشتن به مرحله اجرا و ارزیابی در ارائه راهکار

فرد یا بخشی که می‌خواهد برای حل مسئله راهکار بدهد باید نسبت به فرایند اجرا و ارزیابی راهکار نیز، دانش و تخصص داشته باشد تا بتواند راهکاری ارائه کند که هم عملیاتی باشد و هم میزان موفقیت آن در حل مسئله محاسبه‌پذیر باشد. حوزه در برخی موضوعات مانند کتاب سابقه اجرایی هم دارد؛ اما با برخی موضوعات فرهنگی هیچ ارتباطی نداشته است.

۴-۱-۶-۳. حاکمیت نگاه تاریخی محکومیت شیعه و کمبود نظریه برای دوران حاکمیت شیعه

تاریخ دوران معاصر نیز نشان می‌دهد که در بهترین شرایط، فقها در کنار حاکمان و به عنوان یاور آنان قرار گرفته بودند، نه در صدر حاکمیت و به عنوان حاکم. این تجربه تاریخی سبب شده است فضای حاکم بر نظریات حوزه‌های علمیه، ناظر به محکومیت شیعیان باشد نه حاکمیت.

۴-۱-۶-۴. نداشتن جسارت برای ارائه نظریات جدید

ورود به حوزه‌های جدید و ارائه نظریات برای حل مسائل امروزی، کاری بس دشوار است که در گام اول نیازمند جسارت و شجاعت برای ورود به آن عرصه می‌باشد.

۴-۱-۷. روش و روش‌شناسی

چالش‌های مسئله‌شناسی و ارائه راهکارهای سیاستی ناشی از ضعف روش در این حوزه است. ضعف روش شناخت مسائل فرهنگی اجتماعی، ضعف اصول و مبانی استنباط مسائل فرهنگی اجتماعی و نداشتن زبان مشترک برای گفت‌وگو و شناخت سه چالش اصلی در این حوزه هستند.

۴-۱-۷-۱. ضعف روش شناخت مسائل فرهنگی اجتماعی

روش‌شناسی مسائل فردی با روش‌شناسی مسائل فرهنگی اجتماعی تفاوت دارد. در حوزه علمیه این تفاوت به رسمیت شناخته نشده است. با همان روش استنباطی مسائل فردی به مسائل فرهنگی اجتماعی هم پرداخته می‌شود.

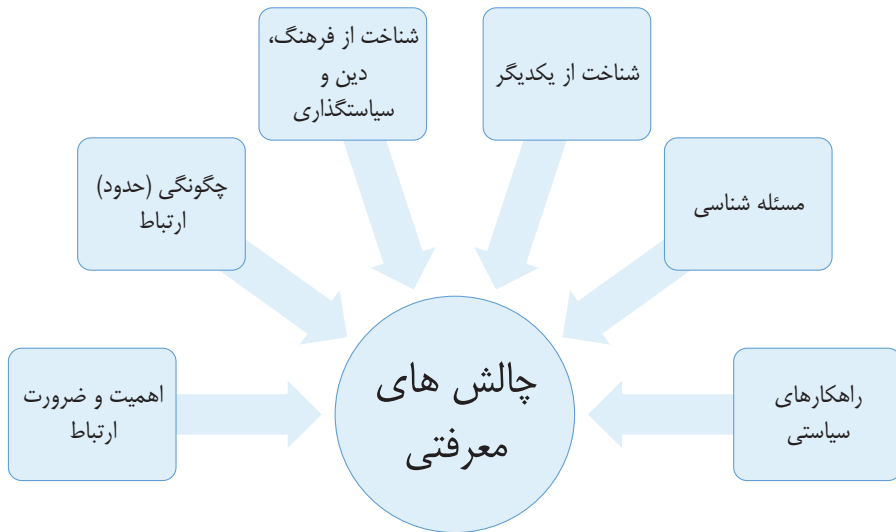
۴-۱-۷-۲. ضعف اصول و مبانی استنباط مسائل فرهنگی اجتماعی

همانگونه که برای تشخیص مسائل فقهی، اصول فقه تدوین شده است؛ برای شناخت مسائل فرهنگی اجتماعی نیز نیازمند مبانی و اصول خاص این حوزه هستیم. یکی از مبانی و اصولی که در شناخت مسائل فرهنگی اجتماعی و ارائه راهکار باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد؛

رسمیت بخشیدن به گفت‌وگوهای فقهی در حوزه فرهنگ است.

۴-۱-۷-۳. نداشتن زبان مشترک برای گفت‌وگو و شناخت

همزمان با تأکید بر روش خاص شناسایی مسائل فرهنگی اجتماعی باید در جهت ترویج و ساخت زبان مشترک بر اساس اصول و مبانی این روش تلاش کرد. باید بر اساس برخی بدیهیات و مشترکاتی که هر دو طرف قبول دارند و بر پایه روش شناخت مسائل و راهکارها، زبان مشترکی برای گفت‌وگو شکل گیرد تا حضور مؤثرتری از حوزه را شاهد باشیم. شکل زیر چالش‌های معرفتی را نشان داده است.



شکل (۲). چالش‌های معرفتی

۴-۲. چالش‌های زمینه‌ای

گروهی دیگر از چالش‌ها، ناشی از بستر و بافتی است که تعامل میان حوزه و حاکمیت در آن شکل می‌گیرد. این چالش‌ها به عنوان چالش‌های زمینه‌ای نامگذاری شده است و شامل دو دسته چالش‌های ناظر به محیط فرهنگی - اجتماعی و محیط سیاسی - قانونی می‌باشد.

۴-۲-۱. محیط فرهنگی اجتماعی

محیط فرهنگی اجتماعی اشاره به بستری دارد که تأثیر عقاید و باورهای مردم و مسئولان و فرهنگ عمومی جامعه را در میزان کنشگری حوزه علمیه نشان می‌دهد. شکل‌گیری فساد و

ایجاد مانع درونی برای پذیرش آموزه‌های اسلام و سوق دادن ذهن و ذائقه مردم به مسائل مادی از جمله مهمترین چالش‌های موجود در محیط فرهنگی اجتماعی است.

۴-۲-۴. شکل‌گیری فساد و ایجاد مانع درونی برای پذیرش آموزه‌های اسلام

متأسفانه هر قدر از اول انقلاب فاصله گرفتیم، به واسطه شکل‌گیری فساد اقتصادی در ساختارهای اجتماعی، مقاومت برای پذیرش اندیشه‌های دینی افزایش یافته است. در واقع با افزایش فساد، به صورت ناخودآگاه، میزان ایمان و اعتقاد افراد به باورهای دینی و نظرات دین، کاسته می‌شود و طبیعتاً تمایل برای حضور حوزه کم می‌شود.

۴-۲-۵. مقاومت منفی سازمان‌ها

اجرا نشدن طرح پیوست فرهنگی، نمونه‌ای از مقاومت منفی سازمان‌ها برشمرده می‌شود.

۴-۲-۶. استقبال نشدن از به کارگیری کارشناسان خبره حوزوی

یکی از دغدغه‌های مسئولین حوزوی این است که در صورت تلاش و ارائه نظرات کارشناسی، مسئولان سیاست‌گذاری و سازمان‌های مسئول این نظرات را به کار نمی‌گیرند و لذا انگیزه برای ارتباط کاهش می‌یابد. سازمان‌ها ترجیح می‌دهند کارشناسی وارد سازمان شود که توجیه‌گر اقدامات فعلی سازمان باشد نه نقدکننده.

۴-۲-۷. سوق دادن ذائقه مردم به امور مادی و کم‌اهمیت کردن امور فرهنگی و دینی

فرهنگ عمومی جامعه در سالیان اخیر بیشتر به امور مادی توجه کرده است و از حساسیت نسبت به امور فرهنگی و دینی کاسته شده است. هنگامی که اولویت اصلی مردم در جامعه، امور مادی باشد و اموری همچون ارتقای سطح فکری و فرهنگی در اولویت نباشد، طبعاً حضور حوزه علمیه کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

۴-۲-۸. محیط سیاسی قانونی

به اعتقاد بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأثیر محیط سیاسی قانونی و چالش‌های برآمده از این محیط مانند سیطره روابط سیاسی و جناحی، غلبه نگاه اداری و سازمانی بر نگاه علمی و کارشناسی، استفاده ابزاری از روحانیت، از جدی‌ترین موانع در مسیر کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی هستند.

۴-۲-۲-۱. سیطره روابط سیاسی و جناحی

متأسفانه فرایند سیاست‌گذاری در کشور، تحت الشعاع روابط سیاسی و جناحی قرار گرفته است. این اثرگذاری به حدی است که حتی با عوض شدن نگرش سیاسی سیاست‌گذاران، سیاست‌هایی که از سوی سیاست‌گذاران قبلی تدوین و مصوب شده بودند، سیاست‌هایی نادرست خوانده شده و لغو می‌شوند.

سیطره نگاه سیاسی بر روابط میان حوزه علمیه و حاکمیت سبب شده است که برخی از حوزویان از ترس برچسب‌زنی‌های سیاسی، نظرات کارشناسی خود را به صورت روشن بیان نکنند.

۴-۲-۲-۲. استفاده ابزاری از روحانیت

بازیگران سیاسی گاهی اوقات سعی می‌کنند به‌گونه‌ای از جایگاه و مواضع مراجع و سایر بزرگان حوزه استفاده کنند که به فعالیت‌ها و برنامه‌های خود و جاهت شرعی ببخشند.

۴-۲-۲-۳. کلی‌گویی در بخش فرهنگ برنامه‌های توسعه

حضور حوزه علمیه و حتی سایر کنشگران، زمانی در برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی به واقعیت خواهد پیوست که در برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت هدف و نوع برنامه به روشنی مشخص شده باشد.

۴-۲-۲-۴. ساختارهای بوروکراتیک

متأسفانه برداشت‌های نادرست از نظم و افراط‌گرایی در کاغذبازی، رسمی‌سازی و ساختارسازی سبب شده است اکثر وقت مسئولین به هماهنگی‌های اداری بگذرد و تنها درصد کمی از زمان برای گفت‌وگو مطابق موضوعات و مسائل مرتبط باقی بماند. جالب آنجاست که گویا برگزاری گفت‌وگو و دیدار در غیر از مسیر بوروکراسی، کاری خلاف است که مسئولان به خاطر انجام آن باید مؤاخذه شوند.

۴-۲-۲-۵. حاکمیت اراده ساختارهای سیاسی بر اراده مدیران

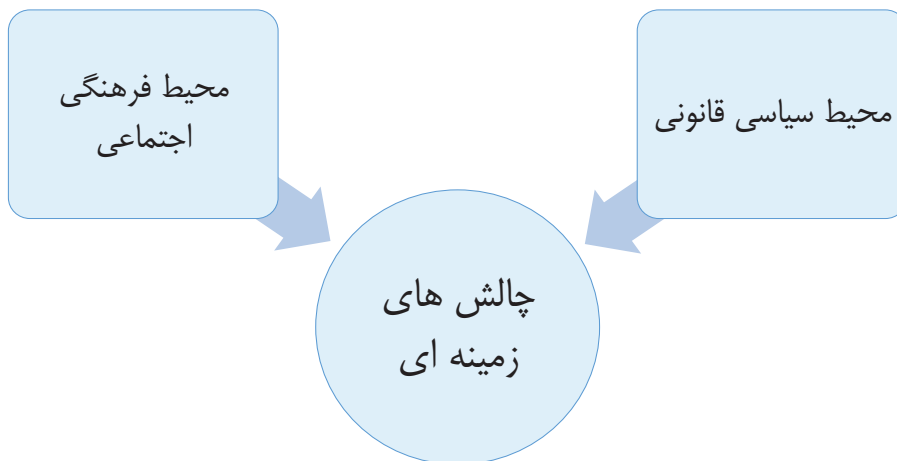
تأثیرگذاری و آشکارشدن نتایج حضور حوزه علمیه در سیاست‌ها، زمان‌بر است و حتی در کوتاه مدت ممکن است پیامدهای منفی برای مدیران داشته باشد. از این‌رو مدیران، اراده ساختارهای سیاسی را بر اراده خود حاکم می‌کنند و با پذیرش نگاه کوتاه مدت، دیگر اراده‌ای برای استفاده از حضور نخبگان حوزوی ندارند.

۴-۲-۲-۶. توجه‌نداشتن حوزه علمیه به دو مؤلفه قدرت و نفوذ

کار نظری و فکری، تا حدی اثر دارد و بحث‌های سیاسی و قدرت نفوذ هم اثر خودش را دارد. در شرایط فعلی، ظرفیت‌های حوزه در فضاهای سیاسی و قدرت و نفوذ و فضاهای ساختاری و نهادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۲-۲-۷. حضور جدی رقبای حوزه و توجه‌نداشتن به آن

شرایط حضور حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی در دوره جمهوری اسلامی به مراتب بهتر از دوره‌های قبل شده است؛ اما این به معنای نفی حضور و تلاش رقبا و دشمنان حوزه علمیه نیست. حتی می‌توان گفت که تلاش رقبای حوزه در این دوره به مراتب بیشتر از دوره‌های قبل شده است تا بتوانند کارآمد نبودن حوزه را در اداره نظام دینی اثبات کنند. شکل زیر چالش‌های زمینه‌ای را نشان داده است.



شکل (۳). چالش‌های زمینه‌ای

۴-۳. چالش‌های مدیریتی

چالش‌های مدیریتی شامل چالش‌های ناظر به ضعف در برنامه‌ریزی، فرایند و ساختار، اجرا و پیگیری، نظارت و نیروی انسانی است.

۴-۳-۱. برنامه‌ریزی

تنوع نیازهای نظام در حوزه سیاست‌گذاری نیازمند پشتیبانی همه‌جانبه معرفتی و دانشی از سوی حوزه علمیه می‌باشد. مشخص نبودن نقشه راه تعامل حوزه و حاکمیت، نداشتن برنامه برای پاسخ به نیازهای نظام و استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های درونی حوزه از جمله چالش‌های موجود در حوزه برنامه‌ریزی می‌باشد.

۴-۳-۱-۱. مشخص نبودن نقشه راه تعامل حوزه و حاکمیت

برنامه ارتباطی میان حوزه و نظام به صورت روشن تعریف نشده است. نظام ارتباطی حوزه و حاکمیت مبهم است و واقعیتش این است که هیچ کنشگری در فضای مبهم، فعالیت نمی‌کند.

۴-۳-۱-۲. نداشتن برنامه برای پاسخ به نیازهای نظام

بررسی مصوبات شورای عالی حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که این شورا به عنوان عالی‌ترین سطح سیاست‌گذاری در حوزه‌های علمیه بر پاسخگویی حوزه به نیازهای نظام تأکید کرده است.^۱ با وجود این مصوبات، حوزه علمیه در ارائه پاسخ به نیازهای امروزی جامعه برنامه‌ریزی دقیقی انجام نداده است.

۴-۳-۱-۳. استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های درونی حوزه

حوزه علمیه در درون خود ظرفیت‌های بی‌بدیلی دارد که هیچ نهاد و سازمانی از آن بهره‌مند نیست. نمونه این ظرفیت، مساجد است که متأسفانه برای استفاده از آن برنامه‌ریزی خوبی انجام نشده است. این در حالی است که در گذشته، حوزه از طریق شبکه مساجد و روحانیون فرهنگ جامعه را مدیریت می‌کرد.

۱. مصوبه شماره ۹۰۹، جلسه شماره ۸۷ شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۲/۷/۷؛ اهداف کلان حوزه‌های علمیه: تبلیغ کارآمد، فراگیر، هدایت‌گر و پاسخگو به نیازهای دینی جامعه و نظام. مصوبه شماره ۹۵۲ جلسه شماره ۱۳۷ شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۰؛ مبانی و ارزش‌های اساسی حوزه‌های علمیه: پاسخگویی در برابر نیازهای دینی مخاطبان و جامعه. مصوبه شماره ۷۲۰ جلسه شماره ۱۶۷ شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۶؛ مأموریت‌های حوزه علمیه: نظریه‌پردازی و تولید علم در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی.

۴-۳-۱. تقاضا نکردن حاکمیت

برخی معتقدند انجام برنامه‌ریزی برای حل مسائل نظام، منوط به درخواست مسئولین نظام است. از نظر این گروه، هر وقت نظام درخواستی از حوزه داشته است، حوزه علمیه با برنامه‌ریزی و تلاش، به آن نیاز پاسخ داده است اما وقتی درخواست و تقاضایی از سوی نظام نباشد، حوزه علمیه برای چه کاری برنامه‌ریزی کند؟

۴-۳-۱-۵. نبود هم‌افزایی و هماهنگی میان فعالیت‌های حوزویان

رشد مؤسسات و مراکز مطالعاتی در حوزه علمیه به صورت رسمی و غیررسمی بسیار زیاد بوده است. این رشد، نوید یک حرکت و نهضت علمی در آینده را می‌دهد اما لازم است که برخی اصول برای حرکت موفق در این مسیر به آنها توجه شود. یکی از این اصول پرهیز از موازی کاری و ایجاد هم‌افزایی میان فعالیت بخش‌های مختلف است.

۴-۳-۱-۶. به رسمیت نشناختن مؤسسات و مراکز همکار در درون حوزه

متأسفانه رسمیت‌بخشی بوروکراتیک از سوی نهادهای عالی حوزه سبب شده است تنها برخی نهادها و مؤسسات به عنوان مؤسسات حوزوی به رسمیت شناخته شوند و هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خارج از این فرایند مجوز بگیرد - حتی اگر ماهیت آن کاملاً حوزوی باشد - به عنوان نهادی حوزوی شناخته نمی‌شود. البته باید توجه داشت که این رسمیت‌بخشی امری مطلوب است و از بی‌نظمی جلوگیری می‌کند اما نباید معیارهای رسمیت‌بخشی به گونه‌ای باشد که برخی نهادهای حوزوی از دایره آن خارج شوند.

۴-۳-۱-۷. بی‌توجهی به ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برای حضور حوزه

متأسفانه برخی این‌طور فکر می‌کنند که اگر کسی از ظرفیت‌های جدید استفاده کند، خطا کرده است. اینکه ما به شرایط قبل از انقلاب برگردیم و بگوییم طلبه در منبر و محراب خلاصه شود این یک نوع ظلم به نظام اسلامی و از دست دادن یک فرصت بزرگ است.

۴-۳-۲. فرایند و ساختار

در کنار ضعف‌های ناشی از برنامه‌ریزی نکردن دقیق؛ فرایند و ساختار ارتباطی برای کنشگری حوزه علمیه در تدوین سیاست‌های فرهنگی نیز دارای ضعف می‌باشد. روشن نبودن مسئولیت

ارتباط با نظام در حوزه علمیه، فقدان نگاه شبکه‌ای و انتزاعی بودن مدل‌های ارتباطی موجود از جمله چالش‌های حوزه فرایند و ساختار است.

۴-۳-۴. روشن نبودن مسئولیت ارتباط با نظام در حوزه علمیه

اگرچه شورای تخصصی حوزوی برای رفع معضل ارتباطی حوزه با نظام تشکیل شده است؛ اما جایگاه این شورا آنچنان که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است. برخی مصاحبه‌شوندگان شورای حوزوی را صرفاً سیاست‌گذار و حوزه اجرا را کاملاً از آن جدا می‌دانند. برخی دیگر نیز معتقدند وظیفه شورای عالی حوزه صرفاً در ارتباط با امور جاری حوزه‌های علمیه است. در این صورت باید پرسید که انتخاب شورای حوزوی برای واسطه حوزه و شورای عالی انقلاب فرهنگی آیا در حیطه وظایف این شورا بوده است؟

۴-۳-۴. فقدان نگاه شبکه‌ای در ایجاد ارتباط میان نهادها

در کنار چالش روشن نبودن فرایند و ساختار ارتباطی، می‌توان ساختار و مراکز متعددی را برشمرد که هدف خود را برقراری این ارتباط برشمرده‌اند؛ اما ارتباط شبکه‌ای میان این مراکز در حوزه فرهنگ و به ویژه موضوع خانواده بسیار کم است.

۴-۳-۶. انتزاعی بودن مدل‌های ارتباطی

مدل‌های ارتباطی میان بخش‌های فرهنگی به‌گونه‌ای در یک فضای انتزاعی و به دور از واقعیت‌های محیطی و عینی طراحی شده است. واقعیت‌بخشی به برخی طراحی‌ها نیازمند انسان‌های ویژه‌ای است که از همه چیز اطلاع، و همه نوع توانایی در خود داشته باشند.

۴-۳-۳. اجرا و پیگیری

امور مربوط به اجرا و پیگیری از تدوین سیاست جدا نیست. در این بخش به چالش‌هایی از حوزه اجرا اشاره می‌شود که بر حضور حوزه علمیه در بخش تدوین اثرگذار است.

۴-۳-۴. جدا دانستن مراحل تدوین و اجرا

متأسفانه برخی از مسئولین حوزه تصور می‌کنند که با حضور در مرحله تدوین، حوزه علمیه به رسالت و وظیفه خود عمل و به نتیجه رسیده است. این در حالی است که فرایند سیاست‌گذاری یک چرخه بهم پیوسته است.

۴-۳-۵. دغدغه نداشتن و پیگیری برای اجرایی کردن مصوبات

دغدغه نداشتن برای اجرایی شدن مصوبات و برنامه‌ها و بسنده کردن به برنامه‌های تزئینی یکی از آفت‌های سالیان اخیر در حوزه فرهنگ است. این چالش، به تدریج انگیزه برای حضور در عرصه تدوین را از بین می‌برد.

۴-۳-۶. بسنده کردن به راهکارهای موقت و زودبازده

برخی مسئولین با نگاه موقتی و کوتاه مدت به دوران مسئولیت خود، به دنبال انجام کارهایی هستند که اثر خود را فوری نشان دهند. از این‌رو به حوزه تدوین به مثابه یک کار صوری نگاه می‌کنند. به عنوان مثال در حوزه فیلم و سینما، به جای انجام کارهای زیربنایی، به یک کار کوتاه مدت و صوری - مانند حضور فردی حوزوی در شورای صدور مجوز پروانه ساخت - بسنده می‌شود.

۴-۳-۷. ضعف گفتمان سازی

یکی از مهمترین دلایل شکست اجرای برخی سیاست‌ها در حوزه فرهنگ، بی‌توجهی به گفتمان‌سازی به عنوان مقدمه و زمینه اجرا می‌باشد. به عبارت دیگر، نقش کلیدی حوزه علمیه آن است که زمینه فکری، فرهنگی و نظری را برای اجرای موفق سیاست‌ها فراهم کند. اگر مردم از لحاظ فکری و ارزشی، یک سیاست را قبول کنند، اجرای آن بسیار راحت‌تر خواهد بود.

۴-۳-۸. کم‌توجهی به ظرفیت‌های مردمی

یکی از نقاط قوت انقلاب اسلامی، در خدمت گرفتن ظرفیت‌های مردمی برای عملیاتی کردن آرمان‌های انقلاب بوده است. متأسفانه با گذشت زمان این فرصت ویژه (ظرفیت‌های مردمی) به تدریج به فراموشی سپرده شده است و دستگاه‌های دولتی خود را متولی تمام امور دانسته‌اند. برای رفع این معضل باید در مرحله تدوین، توجه ویژه‌ای به نقش مردم در اجرای سیاست‌ها داشته باشیم. حوزه علمیه باید از ظرفیت ویژه ارتباط با مردم در مسجد در این زمینه استفاده کند (سه گانه حوزه علمیه - مردم - مسجد).

۴-۳-۴. نظارت

در کنار چالش‌های مربوط به حوزه اجرا، برخی چالش‌های حوزه نظارت و ارزیابی مانند ضعف دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی و ضعف ابزارهای نظارتی حوزه باعث شده که انگیزه برای حضور در تدوین سیاست‌های فرهنگی کاهش یابد.

۴-۳-۵-۴. ضعف دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی

دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی مانند سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و ... غالباً مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را از دایره نظارت خود کنار گذاشته‌اند. این در حالی است که مصوبات این شورا طبق بیان حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری در حکم قانون است. ورود نکردن دستگاه‌های نظارتی در کنار اجرانکردن مصوبات از سوی دستگاه‌های مجری، انگیزه حضور در مرحله تدوین را کاهش داده است.

۴-۳-۵-۵. ضعف ابزارهای نظارتی حوزه

نظارت بر حوزه فرهنگ در حوزه علمیه به صورت سنتی انجام می‌شود و از این‌رو اطلاعات درستی از نحوه اثربخشی مصوبات و وضعیت جامعه به دست نمی‌آید. در واقع ابزارهای نظارتی حوزه در حد مشاهده و گزارش‌های مدیران و جمعی از مؤمنین است. مدیران هم که به صورت گزینشی از سازمان و محیط خود گزارش می‌دهند تا مورد تشویق قرار گیرند.

۴-۳-۶-۵. نبود ارزیابی از اثرات حضور روحانیت

در کنار سیستم ارزیابی از مصوبات و نحوه اجرایی کردن آن، حوزه علمیه باید دو فرایند ارزیابی جداگانه نیز در درون خود طراحی کند.

۱. ارزیابی از اثرات حضور روحانیت در تدوین سیاست‌ها: نبود این ارزیابی سبب شده است که حوزه علمیه شناخت درستی از میزان اثرگذاری خود در تدوین سیاست‌ها نداشته باشد؛
۲. ارزیابی از فعالیت نمایندگان ارتباطی حوزه با بخش‌های نظام.

۴-۳-۷-۵. نظارت نداشتن بر فعالیت نمایندگان ارتباطی حوزه با نظام

نبود این نظارت در درون ساختار حوزه علمیه سبب شده است که فردی سال‌ها به عنوان نماینده حوزه در دستگاه‌های حاکمیتی حضور داشته باشد در حالی که هیچ ارتباط ارگانیکی بین فرد و نظام حوزه وجود ندارد و هیچ ارزیابی از حضور او صورت نمی‌گیرد.

۴-۳-۵. نیروی انسانی

کمبود نیروی متخصص فرهنگی، اولویت یافتن توسعه نهادی بر تربیت نیروی انسانی و افت کمی و کیفی حضور روحانیون در فرایند قانون گذاری از جمله مهمترین چالش های نیروی انسانی حوزه علمیه برای حضور مؤثر در فرایند تدوین سیاست های فرهنگی است.

۴-۳-۵-۱. برداشت نادرست از تخصص طلاب

برداشت نادرست برخی مسئولین از تخصص طلاب سبب تشدید پیامدهای منفی کمبود نیروی متخصص فرهنگی شده است. اگر چه این دیدگاه امروزه تا حد زیادی اصلاح شده است اما تبعات و آثار منفی آن هنوز وجود دارد. برای بررسی دقیق این چالش باید نگاهی به معنای تخصص و فراگیری در حوزه داشته باشیم.

۴-۳-۵-۲. ضعف نظام تربیت نیروی متخصص فرهنگی

کمبود نیروی متخصص فرهنگی، در واقع ناشی از ضعف نظام تربیت نیروی متخصص است. این نظام نتوانسته است متناسب با نیازهای نظام جمهوری اسلامی (از لحاظ کمی و کیفی) به تربیت نیرو بپردازد.

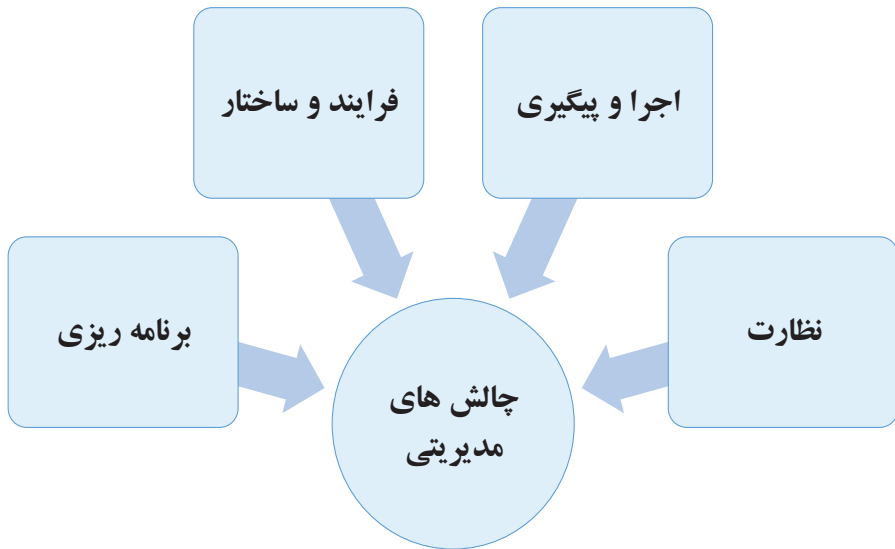
۴-۳-۵-۳. اولویت یافتن توسعه نهادی بر تربیت نیروی انسانی

یکی از باورهای غلطی که سالیان اخیر در میان مسئولان شکل گرفته است تقدم بخشیدن توسعه نهادی بر تربیت نیروی انسانی است. هر جا مشکلی پیدا می شود ابتدا برای حل آن مشکل، ساختمانی ساخته می شود بعداً نیروی انسانی در آن استقرار پیدا می کند و راجع به حل آن مسئله فکر می کنند. این در حالی است که اگر هزینه ساخت و ساز مراکز، صرف تربیت نیروی انسانی می شد، مشکلات و مسائل زودتر حل می شدند و ساختمان های فعلی از رکود خارج می شدند.

۴-۳-۵-۴. افت کمی و کیفی حضور روحانیون در قانون گذاری

کمبود نیروی متخصص فرهنگی و ضعف نظام تربیت، سبب شده است میزان حضور روحانیون در مجلس شورای اسلامی به عنوان قوه قانون گذاری در کشور از لحاظ کمی و کیفی افت کند. بررسی آمار و عملکردها نشان می دهد که سال به سال حضور کمی و کیفی حوزه در قانون گذاری کمتر شده است. به لحاظ کمی از حدود ۲۷٪ به حدود ۹٪ رسیده است و به لحاظ کیفی هم از

سطح مراجع و فضایی حوزه بسیار پایین‌تر آمده است. شکل زیر چالش‌های مدیریتی را نشان داده است.



شکل (۴). چالش‌های مدیریتی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مصاحبه با صاحب‌نظران و مدیران اجرایی در حوزه علمیه و حاکمیت نشان می‌دهد که ۶۳ چالش پیش روی حضور مؤثر حوزه علمیه در فرایند تدوین سیاست‌های فرهنگی وجود دارد. این چالش‌ها در سه بخش چالش‌های معرفتی، زمینه‌ای و مدیریتی طبقه‌بندی شده است. چالش‌های معرفتی شامل هفت دسته چالش‌های ناظر به اهمیت و ضرورت ارتباط، حدود ارتباطی، شناخت از فرهنگ، دین و سیاست‌گذاری، شناخت از یکدیگر، مسئله‌شناسی، ارائه راهکارهای سیاستی و روش و روش‌شناسی است. چالش‌های زمینه‌ای شامل دو دسته چالش‌های ناظر به محیط فرهنگی اجتماعی و محیط سیاسی قانونی است و چالش‌های مدیریتی نیز شامل پنج دسته چالش‌های ناظر به برنامه‌ریزی، فرایند و ساختار، اجرا و پیگیری، نظارت و نیروی انسانی است.

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده	مضامین کلان	ردیف
ترویج نظریه جدایی دین از سیاست	اهمیت و ضرورت ارتباط		۱
اعتقاد نداشتن به نقش حوزه در نظام			۲
ابهام در مأموریت حوزه در ارتباط با نظام			۳
فهم نادرست مدیران از پیشرفت و توسعه و جایگاه دین و حوزه در آن			۴
نگاه تشریفاتی به ارتباط و تعامل میان حوزه و نظام			۵
تنوع نظرات در انتظارات حوزه از نظام	چگونگی (حدود) ارتباط		۶
اسلامی سازی یا تناقض نداشتن با اسلام			۷
معاضدت فقهی یا اسلامی سازی			۸
ضعف شناخت علمی از فرهنگ و پیچیدگی های آن	شناخت از فرهنگ، دین و سیاست گذاری	چالش های معرفتی	۹
شناخت ضعیف از دانش سیاست گذاری و تصمیم گیری			۱۰
نگاه تقلیل گرایانه به فرهنگ و دین			۱۱
نگاه های متفاوت و متضاد به نسبت میان دین و فرهنگ			۱۲
درک نکردن جایگاه و اهمیت فقه در سیاست گذاری			۱۳
شناخت نداشتن تفاوت دو فضای فتوا و تقنین	شناخت از یکدیگر		۱۴
شناخت ضعیف از نهاد حوزه			۱۵
توهم دانستن دانش طرف مقابل	مسئله شناسی		۱۶
تقدم مسائل و دغدغه های سیاسی بر فرهنگی			۱۷
توجه نداشتن به اولویت بندی مسائل فرهنگی			۱۸
انفعال نهادهای رسمی در مسئله شناسی			۱۹
حضور کمرنگ در مرحله شناخت مسئله و حضور پررنگ در نقد پیامدها			۲۰
کلی گویی در مسائل			۲۱
استفاده نکردن بهینه از ظرفیت های ویژه برای در دستور کار قرار دادن مسائل			۲۲

ردیف	مضامین کلان	مضامین یکپارچه‌کننده	مضامین کلیدی	
۲۳	چالش‌های معرفتی	راهکارهای سیاسی	ضعف نظریه‌پردازی	
۲۴			توجه‌نکردن به مرحله اجرا و ارزیابی در ارائه راهکار	
۲۵			حاکمیت نگاه تاریخی محکومیت شیعه و کمبود نظریه برای دوران حاکمیت شیعه	
۲۶			نداشتن جسارت برای ارائه نظریات جدید	
۲۷			روش و روش‌شناسی	ضعف روش شناخت مسائل اجتماعی فرهنگی
۲۸				ضعف اصول و مبانی استنباط مسائل فرهنگی اجتماعی
۲۹				نداشتن زبان مشترک برای گفت‌وگو و شناخت
۳۰	چالش‌های زمینهای	محیط فرهنگی اجتماعی	شکل‌گیری فساد و ایجاد مانع درونی برای پذیرش آموزه‌های اسلام	
۳۱			مقاومت منفی سازمان‌ها	
۳۲			استقبال نکردن و به کارگیری از کارشناسان خبره حوزوی	
۳۳			سوق‌دادن ذائقه مردم به امور عینی و مادی و کم‌اهمیت کردن امور فرهنگی و دینی	
۳۴			محیط سیاسی قانونی	سیطره روابط سیاسی و جناحی
۳۵				استفاده ابزاری از روحانیت
۳۶				کلی‌گویی در بخش فرهنگ برنامه‌های توسعه
۳۷				ساختارهای بوروکراتیک
۳۸			حاکمیت اراده ساختارهای سیاسی بر اراده مدیران	
۳۹			توجه‌نکردن حوزه علمیه به دو مؤلفه قدرت و نفوذ	
۴۰	حضور جدی رقبای حوزه و توجه نکردن به آن			

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده	مضامین کلان	ردیف
مشخص نبودن نقشه راه تعامل حوزه و حاکمیت	برنامه ریزی		۴۱
نداشتن برنامه برای پاسخ به نیازهای نظام			۴۲
استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های درونی حوزه			۴۳
نبود تقاضای حاکمیت برای تحرک حوزه علمیه			۴۴
نبود هم‌افزایی و هماهنگی میان فعالیت‌های حوزویان			۴۵
به رسمیت نشناختن مؤسسات و مراکز همکار در درون حوزه			۴۶
بی‌توجهی به ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برای حضور حوزه			۴۷
روشن نبودن مسئولیت ارتباط با نظام در حوزه علمیه	فرایند و ساختار	چالش‌های مدیریتی	۴۸
فقدان نگاه شبکه‌ای در ایجاد ارتباط میان نهادها			۴۹
انتزاعی بودن مدل‌های ارتباطی موجود			۵۰
جدا دانستن مراحل تدوین و اجرا	اجرا و پیگیری		۵۱
نبود دغدغه و پیگیری برای اجرایی کردن مصوبات			۵۲
بسنده کردن به راهکارهای موقت و زودبازده			۵۳
کم‌توجهی به ظرفیت‌های مردمی			۵۴
ضعف گفتمان‌سازی			۵۵
ضعف دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی	نظارت		۵۶
ضعف ابزارهای نظارتی حوزه			۵۷
نبود ارزیابی از اثرات حضور روحانیت			۵۸
نظارت نداشتن بر فعالیت نمایندگان ارتباطی حوزه با نظام			۵۹
برداشت نادرست از تخصص طلاب (فراگیری و تخصص‌گرایی)	نیروی انسانی		۶۰
ضعف نظام تربیت نیروی متخصص فرهنگی			۶۱
اولویت یافتن توسعه نهادی بر تربیت نیروی انسانی			۶۲
افت کمی و کیفی حضور روحانیون در قانون‌گذاری			۶۳

منابع

۱. شیخ‌زاده، محمد و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۲. یآوری، وحید (۱۳۹۱)، طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان اوقاف و امور خیریه، پایان‌نامه دوره دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش تطبیقی و توسعه، تهران، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱)، پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه؛

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2642>

4. Dye, Thomas R. **Understanding Public Policy**. Eleventh Edition, Prentice Hall Policy, 2008.
5. Shafritz Jay M, **Introducing Public Policy**. Pearson Longman, 2008.
6. www.jameehmodarresin.org.
7. www.hawzah.net.
8. www.president.ir.

- گفتنی است در تدوین این مقاله از منابع زیر نیز استفاده شده است که به دلیل محدودیت حجم مقاله برای چاپ در دوفصلنامه، ارجاعات مستقیم بدانها در متن، حذف شده است.
۱. اباذری، عبدالرحیم (۱۳۹۰)، تبارنامه حوزه و روحانیت (از صدر اسلام تا پهلوی اول)، سلمان فارسی.
 ۲. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، جامعه شناسان.
 ۳. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چ ۱۳، تهران، سمت.
 ۴. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۸)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چ ۷، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۵. باقری‌فر، علی (۱۳۸۹)، حوزه و روحانیت: مسائل آسیب‌ها و کارکردها، ج ۲، قم، بشر، ص ۳۲۹ تا ۲۹۹.
 ۶. بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ و توسعه: خط‌مشی‌گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران، امیرکبیر.
 ۷. بهاران، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی نقش و جایگاه روحانیت در نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشور (سال‌های

- بعد از انقلاب)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی گرایش مدیریت تحول، اراک: دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲)، فرهنگ شناسی؛ گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، ج ۲، تهران، قطره.
۹. پیروزمند، علی رضا، (۱۳۹۲)، تحول حوزه علمیه و روحانیت در گذشته و حال، قم، کتاب فردا.
۱۰. جعفری، محمد حسن (۱۳۹۰)، جایگاه حوزه علمیه در سیاست گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، س ۱، ش ۱، ص ۳۳ تا ۵۰.
۱۱. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
۱۲. خاکبان، سلیمان (۱۳۸۹)، کارکردهای روحانیت؛ گذشته، حال و آینده، حوزه و روحانیت؛ مسائل آسیب ها و کارکردها، ج ۲، قم، بشار، ص ۳۹۰ تا ۳۶۳.
۱۳. درایتی، مصطفی، روحانیت و مناصب اجرایی، حوزه و روحانیت؛ مسائل آسیب ها و کارکردها، ج ۲، قم، بشار، ص ۲۹۸ تا ۲۷۱.
۱۴. درخشه، جلال و اصغر افتخاری و محسن ردادی، تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه ای، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، س ۶، ش ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۵۳ تا ۷۲.
۱۵. سلیمانی، مهدی (۱۳۹۲)، طلبه زیستن: پژوهشی مقدماتی در سنخ شناسی جامعه شناختی زیست طلبگی، تهران، نگاه معاصر.
۱۶. صالح، محسن، (۱۳۸۵)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بیانیه ها ۱۳۵۷-۱۳۴۱، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. صالح، محسن، (۱۳۸۵)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بیانیه ها ۱۳۸۴-۱۳۵۷، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. صالح، محسن (۱۳۸۵)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بیانیه ها ۱۳۸۴-۱۳۷۷، ج ۸، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. صداقت زاده، میثم (۱۳۹۴)، تبیین چهارچوب مفهومی نظریه فرهنگ از منظر حکمت متعالیه، رساله دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
(ع)
۲۰. طالقانی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، به کوشش محمدجواد صاحبی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۱. عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۵۱ تا ۱۹۸.
۲۲. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹) درآمدی بر مدیریت فرهنگی، تهران، ساقی.
۲۳. هاولت، مایکل و ام‌پرل رامش و آنتونی پرل (۱۳۹۴)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران، کتاب مهربان.